

دزدی دریایی، حقوق دریاها و توسل به زور: تحولات خارج از سواحل سومالی^۱

تولید تروس^۲

مترجمان: دکتر عباسعلی کدخدایی^۳

علی آقاحسینی دهاقانی^۴

چکیده

حملات علیه کشتی‌ها در خارج از سواحل سومالی، دزدی دریایی را در رأس توجهات بین‌المللی به‌ویژه توجه شورای امنیت قرار داده است. قطعنامه 1816 شورای امنیت در سال 2008 و دیگر قطعنامه‌ها، بخصوص اعطای مجوز به برخی کشورها برای ورود به آب‌های سرزمینی سومالی به شیوه‌ای هماهنگ با اقدامات مجاز در دریای آزاد، قواعد محدود کنونی حقوق بین‌الملل در مورد دزدی دریایی را توسعه داده است. قطعنامه‌های شورای امنیت بسیار محتاطانه تنظیم شده‌اند و به‌ویژه خاطر نشان می‌کنند که این قطعنامه‌ها «نباید به‌عنوان ایجاد حقوق عرفی تلقی شوند». این قطعنامه‌ها براساس مجوز دولت موقت سومالی اتخاذ شده‌اند. اگرچه به نظر می‌رسد که چنین مجوزی برای قطعنامه‌هایی که براساس فصل هفتم تصویب می‌شوند غیرضروری است، اما دلایل مختلفی برای این مجوز دولت موقت وجود دارد که یکی از آنها، پرهیز از مباحث مربوط به عرض دریای سرزمینی سومالی است. دولت‌های توقیف‌کننده مایل به اعمال اختیارات اعطا شده توسط کنوانسیون حقوق دریا و قطعنامه‌های شورای امنیت درخصوص دزدان دریایی دستگیر شده نیستند. نگرانی عمده آنها رعایت حقوق بشر افراد بازداشت شده است.

1. مشخصات مأخذ اصل مقاله به شرح زیر است:

Tullio Treves, Piracy, Law of the Sea, and Use of Force: Developments Off the Coast of Somalia, European Journal of International Law, Vol. 20, No. 2, 2009, pp. 399-414.

2. قاضی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها و استاد دانشگاه میلان

3. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

4. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه مفید قم، email: aliaghahosseini@gmail.com

موافقتنامه‌های ایالات متحده، انگلستان و جامعه اروپا با کنیا به دنبال تضمین احترام به حقوق بشر این افراد است که برای تعقیب کیفری به کنیا تسلیم شده اند. در بسیاری از موارد، اقدام علیه دزدان دریایی متضمن توسل به زور است. رویه نشان می‌دهد که نیروهای دریایی درگیر، این توسل به زور را به دفاع مشروع محدود می‌کنند. به نظر می‌رسد توسل به زور علیه دزدان دریایی در خارج از سواحل سومالی به عنوان استثنایی بر حقوق انحصاری دولت صاحب پرچم مجاز است، البته با این قید که این توسل معقول و ضروری باشد و حقوق بشر اشخاص مربوط مورد حفاظت قرار گیرد.

1. رواج مجدد دزدی دریایی و دیگر اقدامات خشونت بار در خارج از سواحل سومالی

اگرچه دزدی دریایی هیچ‌گاه از صحنه بین‌المللی غایب نبوده است - می‌توان حملات علیه کشتی‌های حامل «مهاجران غیرقانونی» در خارج از سواحل آسیای جنوب شرقی را به خاطر آورد - به نظر می‌رسد دزدان دریایی از این که تهدیدی عمومی علیه جامعه بین‌المللی باشند و [همین امر] توجیه‌کننده توصیف قدیمی «دشمن نوع بشر»⁵ [از آن‌ها] بود باز ایستاده‌اند تا این که فعالیت‌های آن‌ها در خارج از سواحل سومالی از سال 2000 و به‌ویژه 2006 تحولی گسترده یافت.

از دهه 1990 توقیف کشتی‌ها و بازداشت کارکنانشان برای دریافت باج توسط گروه‌های مسلح عمدتاً در آب‌های سرزمینی و با ادعای حمایت از ذخایر ماهیان سومالی که در واقع توسط ماهیگیران خارجی غارت می‌شده و نیز با ادعای حمایت از آب‌های ساحلی که در غیاب دولتی که قادر به اعمال قانون باشد به عنوان زباله‌دانی برای مواد زائد استفاده می‌شد صورت پذیرفته است. فعالیت دزدان دریایی با سوء استفاده از فقدان مداوم یک دولت کارآمد و با داشتن رابطه با گروه‌های تروریستی و با سوءاستفاده از درگیری‌های سیاسی و مس‌لحانه ادامه دار در سومالی، سبب شده تا شمار فزاینده‌ای از مردم - از جمله ماهیگیرانی که در کنترل و هدایت قایق‌ها خبره‌اند - جذب این فعالیت‌ها شده و آن‌را جسورانه‌تر کرده است. این مسأله اکنون تهدیدی جدی علیه کشتیرانی را نشان می‌دهد که از کانال سوئز وارد می‌شود و از طریق خلیج عدن به یک منطقه کم‌عرض بین‌شاخ آفریقا و شبه جزیره عرب حرکت می‌کند. دزدی دریایی در این مناطق دریایی خارج از سواحل سومالی و همچنین در مناطق دریایی جنوب شاخ آفریقا توسعه یافته و کشتی‌ها حتی در فواصل دور از ساحل نیز مورد حمله قرار می‌گیرند. موفقیت دزدان دریایی در توقیف کشتی‌ها و خدمه آن‌ها و به دست آوردن مبالغ کلان پول به‌عنوان باج و

5. *hostis humani generis*

همچنین روش مؤثر آنها در انجام معامله با پولی که به این طریق به دست آورده‌اند، دزدان دریایی را این بار در شکل و قالب دزدان دریایی سومالی به‌عنوان دشمن نوع بشر مطرح کرده است. خطر ایجاد شده برای دریانوردی از طریق ایجاد مانع در عبور و مرور بین‌المللی و همچنین خشونت به کار گرفته شده توسط دزدان دریایی علیه کشتی‌های حامل ملزومات بشر دوستانه برای مردم سومالی، در اعلام هشدار به دولت‌ها در سراسر جهان تعیین‌کننده بوده است.

شورای امنیت اقدامات دزدان دریایی در خارج از سواحل سومالی را با مفهوم تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط دانسته است. از زمان قطعنامه 733 در سال 1992، شورای امنیت مرتباً در خصوص وضعیت سومالی، به فصل هفتم استناد کرده و در اولین قطعنامه اش در مورد دزدی دریایی در خارج از سواحل سومالی بیان داشته که چنین وضعیتی «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» را ایجاد می‌کند یا به ایجاد این تهدید ادامه می‌دهد و «تصمیم می‌گیرد» که این دزدی دریایی «وضعیت را در سومالی وخیم‌تر کرده، به‌گونه‌ای که همچنان به ایجاد تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی در منطقه ادامه می‌دهد». در 16 دسامبر 2008 نشستی در شورای امنیت در سطح وزرای خارجه برگزار شد و در آن، وزیر امور خارجه چین اعلامیه‌ای را در تأیید قطعنامه 1851 بیان کرد که به روشنی این رویکرد را نشان می‌دهد که «تأخیر طولانی‌مدت در حل مسأله سومالی، تهدیدی جدی را علیه صلح و امنیت بین‌المللی به وجود آورده و این در حالی است که دزدی دریایی گسترده در خارج از سواحل سومالی وضعیت امنیتی را در خود سومالی نیز وخیم‌تر کرده است». در اینجا رابطه‌ای غیرمستقیم برقرار شده تا از انتقاداتی که شورای امنیت اغلب به هنگام کاربرد مفهوم تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی در خصوص مواردی که تاکنون به‌وسیله این مفهوم پوشش داده نشده‌اند، اجتناب شود. با این وجود، این قطعنامه به هدف خود مبنی بر این که اقدام علیه دزدی دریایی در خارج از سواحل سومالی طبق فصل هفتم منشور اجرا می‌شود، رسیده است.

2. قواعد حقوق دریا در خصوص دزدی دریایی و عدم کفایت آنها در فائق آمدن بر اقدامات خشونت‌آمیز خارج از سواحل سومالی

حقوق بین‌الملل مربوط به دزدی دریایی در مواد 100 تا 107 و ماده 110 کنوانسیون حقوق دریا بیان شده است. این حقیقت که این مواد تقریباً کلمه به کلمه مواد 14 تا 22 کنوانسیون 1985 ژنو راجع به دریای آزاد را تکرار می‌کنند و این حقیقت که اگرچه برخی کشورها از جمله ایالات متحده، سوئیس و ونزوئلا به کنوانسیون 1982 نیپوسته‌اند، ولی کنوانسیون 1958 برای آنها لازم‌الاجرا است، متضمن این نکته است که این مواد، هم از جهت حقوق عرفی و هم از جهت حقوق قراردادی، بیانگیز قانونی هستند که هم اکنون لازم‌الاجرا است.

به این منظور یادآوری مقررات مربوط به تعریف دزدی دریایی و اقدام علیه دزدان دریایی ضروری و مطلوب به نظر می‌رسد.

بعد اساسی تعریف این است که دزدی دریایی متشکل از «هر عمل قهرآمیز غیرقانونی، توقیف و یا دستبرد که در جهت مقاصد شخصی و توسط خدمه یا مسافران یک کشتی خصوصی در دریای آزاد علیه یک کشتی یا هواپیمای خصوصی دیگر یا علیه اشخاص یا اموال واقع در کشتی یا هواپیمای مذکور ارتکاب یافته و هدایت شده باشد».

صرف نظر از حق کشتی‌های جنگی همه دولت‌ها در اعمال حق بازدید از کشتی مظنون در تعیین این که آیا یک کشتی در دزدی دریایی دخالت داشته یا خیر، مقرر ه اصلی در خصوص اقدامی که می‌توان علیه کشتی دزد دریایی انجام داد همان ماده 105 کنوانسیون 1982 است که بیان می‌دارد:

«هر دولتی می‌تواند در دریای آزاد یا در هر مکانی که در حوز ه صلاحیت هیچ دولتی نباشد، کشتی یا هواپیمای دزد دریایی یا کشتی یا هواپیمایی را که در تصرف و تحت کنترل دزدان دریایی است توقیف کرده، اشخاص حاضر در آن را بازداشت و اموال موجود در آن را ضبط کند. دادگاه‌های دولتی که اقدام به توقیف می‌کنند، می‌توانند در خصوص مجازات‌هایی که باید اعمال شود اتخاذ تصمیم نمایند و همچنین اقدامی را که باید در مورد کشتی، هواپیما و یا اموال صورت پذیرد با توجه به حقوق اشخاص ثالثی که لبحسن نیت عمل کرده‌اند معین کنند».

تعریف دزدی دریایی نسبتاً محدود است، به گونه‌ای که فقط اقدام در دریای آزاد و فقط اقدام توسط یک کشتی علیه کشتی دیگر را در برمی‌گیرد؛ ولی اقدامات قهرآمیز در دریای سرزمینی و همچنین اقدامات قهرآمیز بدون حضور دو کشتی، مثل در اختیار گرفتن قهرآمیز کنترل یک کشتی توسط خدمه یا مسافران آن، حتی هنگامی که نتیجه و پیامد آن به گروگان گرفتن کشتی، خدمه و مسافران به منظور دریافت باج باشد را در بر نمی‌گیرد. در اختیار گرفتن کنترل کشتی پرتغالی «سانتاماریا»⁶ در سال 1961 و کشتی تفریحی ایتالیایی «آشیل لورو»⁷ در سال 1985 که پوشش رسانه‌ای وسیعی نیز داشت، دزدی دریایی تلقی نشد. برخی اوقات اقدامات قهرآمیز علیه کشتی‌ها در خارج از سواحل سومالی یا به طور کامل یا بخشی از آن در دریای سرزمینی سومالی اتفاق افتاده و در نتیجه اغلب خارج از قلمرو تعریف قرار گرفته است. به ندرت اتفاق افتاده که در این اقدامات قهرآمیز، یک یا چند کشتی دیگر حضور نداشته باشند، چرا که معمولاً از قایق‌های تندرویی استفاده شده که از پایگاه‌هایی از سرزمین اصلی سومالی یا از «کشتی‌های

6. Santa Maria

7. Achile Lauro

مادر» در دریا می آمده‌اند. می‌توان تأکید کرد که اقدامات مقدماتی جهت انجام دزدی دریایی و دیگر اقدامات قهرآمیزی که مستقیماً به دزدی دریایی مربوط نیستند در این تعریف گنجانده نشده‌اند.

درخصوص اقدامی که باید صورت پذیرد، مطابق با ماده 105 دولت صاحب پرچم کشتی توقیف شده از اختیارات بسیار وسیعی برخوردار است که شامل حق بازداشت اشخاص و توقیف اموال، تصمیم‌گیری درخصوص مجازات‌ها و اقدام لازم در خصوص کشتی، هواپیما، اموال و حق تحویل اشخاص بازداشت شده و اموال توقیف شده برای رسیدگی قضایی می‌شود. به عبارت دیگر، صلاحیت جهانی دادگاه‌های دولت توقیف‌کننده به‌وسیله حقوق بین‌الملل مورد حمایت قرار گرفته است. به نظر می‌رسد بیان کلمه «ممکن است»^۸ در ماده 105 نشان می‌دهد که علی‌رغم «تکلیف» به همکاری در سرکوب دزدی دریایی که در ماده 100 بیان شده، اعمال صلاحیت توسط دادگاه‌های کشور توقیف‌کننده یک اختیار است، نه یک تعهد. در هر حال، قاعده مذکور در ماده 105 صلاحیت انحصاری برای دادگاه‌های دولت توقیف‌کننده ایجاد نمی‌کند. دادگاه‌های دیگر کشورها نیز مطابق با شرایطی که وضع کرده‌اند از اعمال صلاحیت منع نشده‌اند. بنابراین، قواعد حقوق بین‌الملل در مورد اقدامی که باید علیه دزدان دریایی صورت گیرد، اقدام را مجاز دانسته، لکن تضمین‌کننده اثربخش بودن آن نیست.

3. توسع قلمرو قواعد حقوق بین‌الملل درخصوص دزدی دریایی توسط قطعنامه‌های شورای امنیت

با تصویب قطعنامه 1816 در 2 ژانویه 2008 و قطعنامه‌های متعاقب آن به‌ویژه قطعنامه 1846 در 2 دسامبر 2008 و قطعنامه 1851 در 18 دسامبر 2008، شورای امنیت تلاش کرد تا با خطر فزاینده‌ای که در نتیجه اقدامات دزدان دریایی در خارج از سواحل سومالی ایجاد شده بود، مقابله کند. به همین منظور در چارچوب فصل هفتم معیارهایی را تا حدی که به اجرای آن‌ها در وضعیت مورد بحث مربوط بود با هدف جبران محدودیت‌های قواعد حقوق بین‌الملل درخصوص دزدی دریایی اتخاذ کرد.

اگرچه این قطعنامه‌ها از اصطلاح «دزدی دریایی» استفاده کرده‌اند، ولی آن را تعریف نکرده‌اند. ارجاع به مقررات کنوانسیون حقوق دریا و بیان این که این مقررات «اصولی راهنما را در جهت بیش‌ترین میزان ممکن از همکاری در سرکوب دزدی دریایی فراهم می‌کنند»، نشان می‌دهد که نقطه شروع، همان تعریف مذکور در کنوانسیون است. البته این قطعنامه‌ها همیشه از

8. may.

کلمه «سرقت مسلحانه»^۹ به همراه دزدی دریایی استفاده کرده‌اند، ولی این اصطلاح تعریف نشده است. سرقت مسلحانه اصطلاحی است که به‌طور معمول در چارچوب سازمان کشتی رانی بین‌المللی^{۱۰} استفاده می‌شود و ممکن است این‌گونه فهمیده شود که تمامی اقدامات قهرآمیز که هدف آن‌ها با اهداف دزدی دریایی یکسان یا مشابه است، ولی در کنوانسیون تعریف نشده است را در برمی‌گیرد؛ بخصوص به این دلیل که ممکن است این اقدامات بدون استفاده از یک کشتی علیه کشتی هدف، ارتکاب یافته باشند. در هر حال، سرقت مسلحانه در زبان سازمان کشتیرانی بین‌المللی فقط به فعالیت‌های صورت گرفته در آب‌های تحت صلاحیت یک کشور مربوط می‌شود؛ به‌گونه‌ای که قلمرو مقررات مربوط به دزدی دریایی را به اقدامات ارتکاب یافته در دریای آزاد گسترش نمی‌دهد، مگر این‌که دو کشتی حضور داشته باشد. این همان چیزی است که قطعنامه‌های شورای امنیت آن را انجام داده‌اند، چرا که این قطعنامه‌ها از اصطلاح «دزدی دریایی و سرقت مسلحانه علیه کشتی‌ها در آب‌های سرزمینی سومالی و خارج از سواحل سومالی در دریای آزاد» استفاده کرده‌اند. از آن‌جا که در بیش‌تر پرونده‌های مربوط به سومالی دو یا چند کشتی درگیر بوده‌اند، به نظر نمی‌رسد ذکر اصطلاح «سرقت مسلحانه» دقیقاً در نتیجه ضرورت‌های رویه فعلی انشا شده باشد و تا حدودی از هدف در بر گرفتن تمامی اقدامات مربوط به دزدی دریایی (مانند اقدامات مقدماتی) و اقدامات احتمالی آینده که فقط یک کشتی در آن‌ها درگیر است، الهام گرفته است.

عنصر کلیدی در پاراگراف ۷ قطعنامه ۱۸۱۶ بیان شده و در صدد فائق آمدن بر محدودیت تعریف دزدی دریایی به اعمال ارتکاب یافته در دریای آزاد است، چرا که باعث عدم کفایت این تعریف در پرداختن به اقداماتی شده که گاه به‌طور کامل در دریای سرزمینی افتاده و در اغلب موارد شامل حمله به کشتی در دریای آزاد و آوردن کشتی دزدیده شده توسط دزدان دریایی به دریای سرزمینی و نگه‌داشتن آن جهت گرفتن باج در یک بندر یا در نزدیکی ساحل یا حمله توسط قایق‌های مهاجمی بوده است که به آب‌های سرزمینی یا داخلی سومالی عقب‌نشینی کردند. این عنصر کلیدی، همان چیزی است که برخی دولت‌ها را در انجام این موارد مجاز دانسته است:

الف) ورود به آب‌های سرزمینی سومالی به قصد سرکوب اعمال دزدی دریایی و سرقت مسلحانه در دریا به همان روشی که انجام چنین اقدامی در دریای آزاد در حقوق بین‌الملل مربوط به دزدی دریایی اجازه داده شده است.

9. armed robbery

10. International Maritime Organization (IMO)

ب) استفاده از تمامی ابزارهای لازم^{۱۱} در آب‌های سرزمینی سومالی به منظور سرکوب اعمال دزدی دریایی و سرقت مسلحانه به همان روشی که انجام چنین اقدامی در دریای آزاد در حقوق بین‌الملل مربوط به دزدی دریایی اجازه داده شده است. تأثیر اصلی این مقررات این است که علاوه بر اجازه تعقیب از دریای آزاد به داخل آب‌های سرزمینی، قواعد حقوق بین‌الملل مربوط به دزدی دریایی در دریای آزاد را در مورد دریای سرزمینی نیز قابل اجرا سازد و روشن کند دولت‌هایی که مطابق این قواعد در دریای سرزمینی سومالی اقدام می‌کنند می‌توانند از «تمامی ابزارهای لازم» استفاده کنند. می‌توان افزود - متعاقب واقعه ای که در آن سربازان فرانسوی دزدان دریایی را در داخل سرزمین سومالی تعقیب کردند^{۱۲} - قطعنامه 1851 در 16 دسامبر 2008 مجوزی را به منظور اجرای «همه معیارهای لازم که در سومالی به منظور سرکوب اعمال دزدی دریایی و سرقت مسلحانه در دریا مناسب هستند» اضافه می‌کند. اگرچه اصطلاح «در سومالی»^{۱۳} در پاراگراف‌های مقدماتی شرح داده نشده، ولی به‌طور واضح به اقدام انجام گرفته در سرزمین اصلی اشاره می‌کند.

4. محدودیت‌های قواعد جدید : صلاحیت زمانی،^{۱۴} صلاحیت مکانی؛^{۱۵} نگرانی در خصوص حقوق بین‌الملل عرفی در حال تغییر

اگرچه تأثیر اصلی قطعنامه 1816 و قطعنامه‌های متعاقب آن، گسترش صلاحیت زمانی و صلاحیت مکانی قلمرو قواعد حقوق بین‌الملل مربوط به دزدی دریایی است، اما شورای امنیت این قطعنامه‌ها را با احتیاط زیادی تدوین کرده است. شورا برخی قیود را گنجانیده و سبب شده تا مقررات تصویب شده کم‌تر از آنچه به نظر می‌رسد تحول آفرین جلوه کند و ظاهراً هدف آن‌ها به‌طور خاص گریز از روبه‌رو شدن با این انتقاد بوده که شورا به‌عنوان یک «قانونگذار» عمل کرده است.

11. all necessary means

12. این واقعه عملیاتی بود که در 11 آوریل 2008 در سرزمین سومالی انجام شد و به دستگیری شش نفر از دزدان دریایی و بازپس‌گیری بخشی از میزان باج اخذ شده در یک عملیات دزدی دریایی علیه مسافران کشتی تفریحی فرانسوی «لو پونان» (Le Ponant) که توسط نیروهای فرانسوی آزاد شد منجر گردید. در 20 آوریل 2008 نخست‌وزیر سومالی، نور حسن حسین، به رسانه‌های بین‌المللی اعلام کرد که «نیروهای فرانسوی شش دزد دریایی سومالیایی را دستگیر و برای اجرای عدالت به فرانسه بردند. ما چنین اقداماتی توسط فرانسه را تشویق می‌کنیم. دولت سومالی از جامعه بین‌المللی می‌خواهد تا علیه دزدی دریایی اقدام کند». عدم اطمینان در خصوص مفهوم واقعی و قلمرو این اعلامیه منجر شد تا فرانسه پیش‌نویسی را پیشنهاد کند که به‌عنوان قطعنامه 1851 شورای امنیت تصویب شد.

13. in Somalia

14. *ratione temporis*

15. *ratione Loci*

91 ❖ دزدی دریایی، حقوق دریاها و توسل ...

اول این که مجوز اعطا شده صلاحیت زمانی را محدود کرده است . قطعنامه 1816 اعتبار مجوز اعطایی را به شش ماه محدود می کند، هرچند پیش بینی می کند تا گزارش پیشرفت و گزارشی کامل تر در خصوص اجرای این قطعنامه به ترتیب در ظرف سه و پنج ماه ارائه گردد . همچنین قصد تجدیدنظر در این وضعیت را بیان می دارد و در نظر می گیرد که «چنانچه مناسب باشد، اجازه مقرر در پاراگراف 7 برای دوره های زمانی دیگر نیز تجدید گردد». در حقیقت این مجوز بهوسیله قطعنامه 1846 در 2 دسامبر 2008 برای مدت دوازده ماه تمدید شده است . مجوز اجرای همه اقدامات لازم «در سومالی» که در قطعنامه 1851 بیان گردیده نیز به دوازده ماه از زمان تصویب قطعنامه 1846 محدود شده است.

دوم این که قلمرو این قطعنامه ها به وضوح صلاحیت مکانی را با بیان این که مجوز مقرر «فقط در خصوص وضعیت سومالی به کار می رود» محدود کرده است. این مطلب به طور خاص متضمن این نکته است که مجوز ورود به دریای سرزمینی در مورد آب های سرزمینی دیگر کشورها بجز سومالی به کار نمی رود (مانند یمن یا کنیا).

سوم این که این قطعنامه ها درخواست می کنند فعالیت هایی که متعاقب این مجوزها انجام می شود «تأثیری عملی در رد یا لطمه وارد آوردن به حق عبور بی ضرر کشتی های هیچ دولت ثالثی نگذارند». اگرچه مجوزهای بیان شده در این قطعنامه ها بر حاکمیت دولت ساحلی سومالی در دریای سرزمینی اش محدودیت وارد کرده اند، به نظر می رسد این مقرره [یعنی احترام به حق عبور بی ضرر] با این عقیده سازگار است که این اقدامات نباید بر حقوق دولت های ثالث (یعنی همه دولت ها بجز دولت های ساحلی و دولت های مجاز به اقدام) که اجازه اعمال حقوق خود به ویژه حق عبور بی ضرر در دریای سرزمینی را دارند، اثری داشته باشند.

چهارم این که این قطعنامه ها تصدیق می کنند که این مجوزها «نباید حقوق، تعهدات یا مسئولیت های دولت های عضو طبق حقوق بین الملل به ویژه هرگونه حق یا تعهد طبق کنوانسیون [حقوق دریا] در دیگر وضعیت ها را تحت تأثیر قرار دهند» و بخصوص تأکید می کنند که این مجوزها «نباید به عنوان ایجاد حقوق بین الملل عرفی تلقی شوند». این مقررات با نگرانی هایی که به طور جدی توسط هیأت های نمایندگی کشورهای در حال توسعه در شورای امنیت بیان شد و به حفظ تمامیت کنوانسیون حقوق دریا حساس بودند، همخوانی و مطابقت دارد .^{۱۶} البقا اگر مجوزهایی شبیه مجوزهایی که در خصوص وضعیت سومالی داده شده، به طور معمول در مورد

16. قبل از تصویب قطعنامه 1816 به اتفاق آراء، اندونزی بیان کرد که «بار مسئولیت به منظور حفظ تمامیت و حریم کنوانسیون بر عهده همه ما است [نظامی اعضای کنوانسیون حقوق دریا] ... این وظیفه ما است که اگر شورای امنیت یا هر بخش دیگر اقداماتی را در نظر داشته باشد که به اصلاح، بازنویسی یا بازتعریف کنوانسیون 1982 حقوق دریا منجر شود تحفظ قوی خود را اعلام کنیم.

سایر وضعیت‌ها نیز اعطا شود، حداقل بحث و گفتگو در خصوص شکل‌گیری احتمالی یک قاعده عرفی را نمی‌توان منتفی دانست. در هر حال، مقرراتی که ذکر شد سبب بروز مباحثی در مخالفت با این مقررات شده است.

مقایسه‌ای بین قطعنامه‌های شورای امنیت و مقررات اجرایی غیر الزام‌آور که در 29 ژانویه 2009 در خصوص سرکوب دزدی دریایی و سرقت مسلحانه کشتی‌ها در اقیانوس هند غربی و خلیج عدن^{۱۷} تصویب شد نشان می‌دهد که بسیاری از دولت‌ها تا چه حد به فراتر رفتن از آنچه در کنوانسیون حقوق دریا مقرر شده، حساسند و تا چه میزان مقررات قطعنامه شورای امنیت می‌تواند برای آن‌ها خطرناک جلوه کند.

مقررات اجرایی قواعد متفاوتی را در خصوص دزدی دریایی در دریای آزاد و سرقت مسلحانه در آب‌های داخلی، مجمع‌الجزایری و سرزمینی مقرر می‌کند. در دریای آزاد، نظام حقوقی کنوانسیون حقوق دریا اعمال می‌شود و در دریای سرزمینی، به‌ویژه تعقیب از سمت دریای آزاد، مجوز دولت ساحلی لازم است.

5. شرط رضایت دولت موقت فدرال^{۱۸}

قطعنامه‌های شورای امنیت که در این جا مورد بحث قرار گرفت براساس مجوز دولت موقت فدرال سومالی تصویب شده است. پاراگراف 9 قطعنامه 1816 «تأیید می‌کند» که مجوز بیان شده در پاراگراف 7 «فقط متعاقب دریافت نام نمایندگی دائم جمهوری سومالی در سازمان ملل توسط رئیس شورای امنیت در تاریخ 27 فوریه 2008 که حاکی از رضایت دولت موقت فدرال بوده، مقرر شده است». عبارات مشابهی در قطعنامه 1846 و 1851 وجود دارد که به نام‌های دیگری که حاوی رضایت دولت موقت فدرال است، اشاره می‌کند. با توجه به فحواى تعدادی از اعلامیه‌هایی که در خصوص تصویب این قطعنامه‌ها بیان شده بود به نظر می‌رسد بدون چنین مجوزی و با وجود عدم کنترل دولت موقت فدرال بر آب‌های خارج از سومالی، اتفاق آرا در شورای امنیت دست‌یافتنی نمی‌بود.

اشاره به اجازه دولت ساحلی، تمام یا بخش زیادی از محتوای تحول‌آفرین قطعنامه‌ها را از آن‌ها سلب می‌کند. در حقیقت، اقداماتی که ظاهراً در پرتو اجازه دولت ساحلی توسط شورای امنیت «مجاز دانسته شده»، در صورت عدم وجود قطعنامه شورای امنیت که در چارچوب فصل هفتم تصویب شده باشد نیز می‌تواند انجام گردد. مطابق با حقوق بین‌الملل، کشورها آزادند تا

17. IMO- Sponsored Code of Conduct Concerning the Repression of Piracy and Armed Robbery against Ships in the Western Indian Ocean and the Gulf of Aden.

18. transitional federal government

مثلاً با دادن اجازه به دیگر کشورها در انجام فعالیت های پلیسی در آبهای سرزمینی از حقوق خود در این آبها صرف نظر کنند. موردی که می توان ذکر کرد تبادل یادداشت ها در 25 مارس 1997 بین آلبانی و ایتالیا است که در آن، آلبانی موافقت کرد نیروی دریایی ایتالیا می تواند در آبهای سرزمینی آلبانی کشتی های حامل اتباع آلبانی را که از کنترل اعمال شده توسط مقامات آلبانی در این آبها فرار کرده بودند، را فارغ از این که آن کشتی چه پرچمی را برافراشته، متوقف کند.

این حقیقت که شورای امنیت برای اعمال صلاحیت طبق فصل هفتم در دریای سرزمینی یک کشور، چنانچه اجازه دولت ساحلی وجود داشته باشد، نیازی به مجوز ندارد در بیان به کار گرفته شده توسط «اقدام مشترک شورای اتحادیه اروپا»^{۱۹} درخصوص «عملیات آتالانتا»^{۲۰} در آبهای خارج سوماتی تأیید شده است. مقررات مربوط به انتقال به منظور تعقیب قضایی دزدان دریایی و سارقان مسلح بازداشت شده، «از یک طرف [یعنی در مورد دریای سرزمینی] براساس پذیرش سوماتی در اعمال صلاحیت توسط دولت های عضو یا دول ثالث، و از طرف دیگر [یعنی در مورد دریای آزاد] براساس پذیرش ماده 105 کنوانسیون حقوق دریا [توسط سوماتی]» بوده است. ظاهراً - و به درستی - استناد به قطعنامه های شورای امنیت به عنوان اساس و مبنا امری زائد و غیرضروری به نظر می رسد.

برخلاف قواعد حقوق بین الملل درخصوص دزدی دریایی در دریای آزاد که به «هر کشوری» اجازه توقیف کشتی دزدان دریایی را می دهد، به نظر می آید اهمیت رضایت دولت ساحلی با این حقیقت برجسته شده که قطعنامه های شورای امنیت، اعطای این مجوزها را به «دولت هایی که با دولت موقت همکاری می کنند» محدود کرده است؛ چرا که «اطلاع قبلی توسط دولت موقت در اختیار دبیرکل قرار داده شده است». بنابراین، دولت ساحلی کنترل خود را در مورد دولت هایی که به منظور مبارزه با دزدان دریایی و سارقان مسلح، مجاز به ورود به آبهای سرزمینی و در حقیقت سرزمین او هستند حفظ می کند (در حقیقت، مجاز به حفظ کردن آن است). در حال حاضر به نظر می رسد ناوگان کوچکی که در آبهای خارج از سواحل سوماتی (نه لزوماً در آبهای سرزمینی سوماتی) به گشت زنی می پردازد نیروی دریایی حدوداً بیست کشور را دربرمی گیرد که به وسیله ایالات متحده هماهنگ می شوند. برای اولین بار، چین کشتی های نیروی دریایی خود را در خارج از آبهای مجاور سوماتی مستقر کرد و اتحادیه اروپا نیز نیروی دریایی مشترکی را در چارچوب «عملیات آتالانتا» تشکیل داد و مستقر ساخت.

19. EU Council's Joint Action

20. operation atalanta

به نظر می‌رسد اهمیتی که به رضایت دولت ساحلی داده شده و برای اقدام طبق فصل هفتم غیرضروری است، سه هدف را دنبال می‌کند. هدف اول، احترام به حاکمیت دولت است تا با نگرانی‌ها در خصوص این که با این قطعنامه‌ها حقوق بین الملل عرفی جدیدی می‌تواند «ایجاد گردد» مقابله شود. هدف دوم، تقویت دولت موقت است که علی‌رغم ادامه حضور سومالی در سازمان ملل، قدرت مؤثری را در سومالی اعمال نمی‌کند و به‌ویژه از ظرفیت مبارزه با اقدامات دزدان دریایی در خارج از سواحلش برخوردار نیست. به نظر می‌رسد هدف سوم این است که دولت موقت از طریق تعیین کشورهایی که کشتی‌های آنها مجاز به اقدام در دریای سرزمینی او هستند، حضور ناوگان خارجی را در آب‌های سومالی به دولت‌هایی که بیش از همه درگیر هستند و همچنین دولت‌هایی که آماده همکاری با یکدیگر هستند محدود کند.

به هر حال هم‌پوشانی بین مجوز شورای امنیت و مجوز داده شده توسط دولت موقت می‌تواند علاوه بر این و یا شاید به‌طور خاص به هدفی دیگر خدمت کند. باید یادآوری شود که سومالی با قانون سال 1972 محدود 200 مایلی را برای عرض دریای سرزمینی اتخاذ کرده و اگر چه سومالی کنوانسیون حقوق دریا را در 24 ژوئیه 1989 به تصویب رسانیده، هیچ سندی (حداقل برای نویسنده) مبنی بر لغو این قانون وجود ندارد. در وضعیت تعارض احتمالی بین یک قانون داخلی و تعهد بین المللی مذکور در کنوانسیون حقوق دریا مبنی بر داشتن عرض حداکثر 12 مایلی برای دریای سرزمینی که با فقدان قدرتی مؤثر در سومالی همراه شده، قصد شورای امنیت در تضمین رضایت دولت موقت به اقدام دیگر کشورها علیه دزدان دریایی و سارقان مسلح در داخل دریای سرزمینی، ممکن است به‌عنوان اعطای اساس و مبنای حقوقی برای چنین اقدامی فارغ از عرض دریای سرزمینی سومالی توصیف شود. با توجه به رفتار و شیوه عمل دولت‌هایی که در آب‌های خارج از سواحل سومالی به گشت زنی می‌پردازند به نظر واضح می‌رسد که آنها فرض را بر این قرار داده‌اند که حد خارجی دریای سرزمینی سومالی 12 مایل است. این که آیا چنین امری، فرض دولت موقت است یا خیر نامشخص است و اجازه سومالی به اقدام علیه دزدان دریایی و سارقان مسلح در دریای سرزمینی نتیجه سودمند پرهیز از بحث در خصوص چنین سؤالی را به همراه دارد.

6. با دزدان دریایی و سارقان مسلح چه باید کرد؟ حقوق بشر، موافقتنامه‌ها با دولت‌های همسایه و کنوانسیون رم در خصوص سرکوب اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریایی²¹

همان‌گونه که بیان شد، حقوق بین‌الملل به دادگاه‌های دولت توقیف‌کننده صلاحیت جهانی اعطا کرده است. مطابق ماده 105 کنوانسیون حقوق دریا این صلاحیت در خصوص توقیف و بازداشت دزدان دریایی در دریای آزاد قابل اجرا است. همچنین در خصوص توقیف و بازداشت در دریای سرزمینی کشور سومالی مطابق با قطعنامه‌های شورای امنیت که در بالا به آن‌ها اشاره شد نیز به کار می‌رود.

دولت‌های توقیف‌کننده - یا به عبارت دیگر، دولت‌هایی که با دزدان دریایی و سارقان مسلح در آب‌های خارج از سومالی مبارزه و آن‌ها را دستگیر می‌کنند - تمایلی به اعمال چنین اختیارات وسیعی در تعقیب و تحویل دزدان دریایی و سارقان مسلح جهت رسیدگی ندارند. به نظر می‌رسد آن‌ها نگران هزینه‌های مربوط و پیچیدگی‌های حقوقی راجع به (مثلاً) ادله هستند که برای انجام رسیدگی کیفری درج‌ایی خیلی دورتر از مکانی که جرایم ادعایی در آن جا ارتکاب یافته‌اند ضروری است و یا شاید به‌ویژه نگران پیامدهای حقوق بشری اعمال صلاحیت هستند.

قضیه‌ای جدید این‌گونه دشواری‌ها را برجسته کرده است. کشتی نیروی دریایی دانمارک به نام «آبسالون»²² در 17 سپتامبر 2008، ده دزد دریایی را در آب‌های خارج از سومالی دستگیر کرد. پس از شش روز بازداشت و مصادره سلاح‌ها، زندلیق‌ها و سایر وسایلی که برای سوار شدن به کشتی‌ها مورد استفاده قرار گرفته بود، دولت دانمارک تصمیم گرفت آن‌ها را با رها کردن در یکی از سواحل سومالی آزاد کند. مقامات دانمارک به این نتیجه رسیدند که دزدان دریایی در صورت تحویل به مقامات سومالیایی با خطر شکنجه و مجازات اعدام روبه‌رو هستند. چنین امری پذیرفتنی نبود؛ چرا که قانون دانمارک استرداد مجرمان را هنگامی که ممکن است با مجازات اعدام روبه‌رو شوند منع می‌کند. به‌علاوه، دولت دانمارک آماده محاکمه آن‌ها در دانمارک نبود، چرا که (با توجه به سوءاستفاده‌های احتمالی که دزدان دریایی را به خطر می‌انداخت) اخراج آن‌ها به سومالی پس از تحمل مجازات مشکل بود. روشن است که ملاحظات حقوق بشری، یا شاید دلایل مصلحت‌اندیشانه ارائه شده به‌عنوان نگرانی‌های حقوق بشری، بر ملاحظات مربوط به نبرد علیه دزدی دریایی غلبه کرده است. به‌گونه‌ای یکسان، ظاهراً وزارت امور خارجه بریتانیا به نیروی

21. Rome Convention for the Suppression of Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation of 10 March 1998 (the SUA Convention)

22. Absalon

دریایی سلطنتی در خصوص بازداشت دزدان دریایی هشدار داده ؛ چرا که این امر می تواند سبب نقض حقوق بشر آن ها شده، به تقاضای پناهندگی به بریتانیا منجر گردد.

دستگیری و بازداشت مجرمان در دریا که پس از آن برای محاکمه به دادگاه های کشور توقیف کننده کشتی که بسیار دورتر از محل دستگیری است برده شده اند توسط این دستگیرشدگان مورد اعتراض واقع شده و برای قضاوت و رسیدگی به دیوان اروپایی حقوق بشر ارجاع گردیده است. این امر در پرونده «ریگوپولوس»^{۲۳} و «مدویف»^{۲۴} که به ترتیب در 12 ژانویه 1999 و 10 ژوئیه 2008 در مورد آن ها رأی صادر شد، اتفاق افتاد. در این پرونده ها، خواهان ها که مظنون به دست داشتن در قاچاق مواد مخدر بودند و بعد نیز چنین امری به اثبات رسید، سوار بر یک کشتی در دریای آزاد و با مجوز دولت صاحب پرچم کشتی بازداشت شدند. سؤالی که نزد دیوان مطرح شد این بود که آیا بازداشت حدوداً دو هفته ای در کشتی نیروی دریایی دستگیر کننده این افراد، با بند 3 ماده 5 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که براساس آن، اشخاص بازداشت یا دستگیر شده «باید فوراً برای اعمال صلاحیت قضایی نزد قاضی یا مقام دیگری که به حکم قانون دارای اختیار است، آورده شوند» مطابقت دارد یا خیر؟ دیوان اگرچه در هر دو پرونده حکم کرد که اوضاع و احوال برای توجیه پاسخی مثبت به اندازه کافی استثنایی بوده، با این حال به طور واضح بیان کرد که اصل این است که این مدت زمان طولانی بازداشت با مقرر مورد بحث سازگار نیست. در نتیجه ممکن است دولت های عضو کنوانسیون اروپایی [حقوق بشر] در اوضاع و احوال متفاوت، با تصمیمی مواجه شوند که نقض حقوق بشر مجرم بازداشت شده (خواه قاچاقچی مواد مخدر باشد یا یک دزد دریایی) را اعلام می کند. به علاوه، دیوان اروپایی حقوق بشر در سال 2008 در پرونده «مدویف» براساس تفسیری مضیق از موافقتنامه ای که سوار شدن و بازداشت کردن را اجازه می داد، ولی بنا بر ادعا در خصوص حق تحویل شخص بازداشت شده برای رسیدگی قضایی به اندازه کافی واضح نبود، نقض بند 1 ماده 5 کنوانسیون اروپایی را اعلام کرد که مطابق با آن «هیچ کس نباید از آزادی اش به استثنای موارد بعدی و مطابق با آیین دادرسی تعیین شده توسط قانون محروم گردد». با توجه به اختیارات گسترده ای که توسط حقوق بین الملل عام و قطعنامه های شورای امنیت به رسمیت شناخته شده، احتمال تصمیم مشابه در مورد دزدی دریایی بسیار بعید به نظر می رسد. اما این امر بیانگر آن است که دادگاهی همانند دیوان اروپایی حقوق بشر تمایل دارد تا قواعد حقوق بین الملل و حقوق دریا را به گونه ای تفسیر کند که حداکثر حمایت را به افراد مربوط ارائه دهد.

23. Rigopoulos

24. Medvejev

عدم تمایل دولت‌های توقیف‌کننده به تعقیب و محاکمه دزدان دریایی به‌طور ضمنی در قطعنامه‌های شورای امنیت در نظر گرفته شده است. قطعنامه 1816 و 1846 در بردارنده مقررات زیر هستند:

«از تمامی دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های صاحب پرچم، ساحلی و بندری، دولت‌های متبوع قربانیان و مرتکبین دزدی دریایی و سرقت مسلحانه و دیگر کشورهای واجد صلاحیت مربوط براساس حقوق بین‌الملل و قانونگذاری ملی درخواست می‌گردد تا در تعیین صلاحیت، تحقیق و تعقیب اشخاص مسرئول در قبال اعمال دزدی دریایی و سرقت مسلحانه خارج از سواحل سومالی و مطابق با حقوق بین‌الملل قابل اجرا به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشر همکاری کنند و علاوه بر دیگر اقدامات، با تهیه مقررات و کمک‌های پشتیبانی در مورد اشخاص تحت صلاحیت و کنترل خود، به این قربانیان، شهود و اشخاص بازداشت شده در عملیاتی که مطابق با این قطعنامه انجام گردیده کمک کنند».

این نحوه بیان صرفاً تشویق‌آمیز است. در هر حال، اکثر دولت‌های درگیر، مانند دولت‌های صاحب پرچم کشتی‌هایی که قربانی دزدی دریایی هستند یا دولت‌های صاحب پرچم کشتی‌هایی که در آب‌های خارج سومالی به گشت زنی مشغولند یا دولت‌های ساحلی همسایه مثل جیبوتی، کنیا و یمن به غیر از سومالی، ملزم به ایفای تعهدات دقیق و روشن بیان شده برای اعضای کنوانسیون 10 مارس 1988 رُم درخصوص سرکوب اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردان هستند. این کنوانسیون - که در پی واقعه «آشیل لورو»^{۲۵} به تصویب رسید - مقرر می‌کند که دولت‌های عضو باید برخی اعمال مجرمانه را که اغلب آن‌ها به‌طور کامل یا جزئی مشابه اعمال ارتکاب یافته توسط دزدان دریایی یا سارقان مسلح هستند شناسایی کرده و آن را جرم بدانند (قابل توجه این‌که کنوانسیون مزبور حضور دو کشتی را لازم ندانسته و بین مناطق دریایی تمایز قائل نمی‌شود). این کنوانسیون بخصوص «اتخاذ چنین معیارهایی که می‌تواند برای اعمال صلاحیت ضروری باشد» را در مورد چنین جرایمی برای دولت صاحب پرچم کشتی که این جرایم در آن کشتی یا علیه آن ارتکاب یافته یا برای دولتی که در قلمرو او به‌ویژه در دریای سرزمینی او این جرایم ارتکاب یافته و یا برای دولتی که تبعه او مرتکب جرم شده، اجباری می‌سازد. این کنوانسیون همچنین به دیگر کشورها اجازه می‌دهد تا در موارد دیگر به اعمال صلاحیت بپردازند. این موارد شامل دولتی که شخص توقیف شده، تهدید شده، آسیب‌دیده یا کشته شده تبعه او است و همچنین شامل دولتی که عمل مجرمانه قرار است او را وادار کند که کاری را انجام دهد یا از

25. Achille Lauro

انجام آن باز دارد، می‌شود. در تمامی موارد برای کشوری که متهم در قلمرو او حضور دارد اعمال صلاحیت اجباری است و این کشور چنین مجرمی را به یکی از کشورهایی که صلاحیت خود را احراز کرده تحویل نمی‌دهد.

اگرچه کنوانسیون SUA در قطعنامه 1816 بیان نشده، ولی قطعنامه 1846 تعهدات مطرح شده در این کنوانسیون را یادآوری و به دولت‌های عضو تأکید می‌کند تا این تعهدات را «به صورت کامل اجرا کنند».

عدم تمایل دولت‌های توقیف‌کننده تنها علت عدم کارایی در پرداختن به موضوع دزدان دریایی و سارقان مسلح دستگیر شده نیست. همان‌گونه که در پاراگراف مقدماتی قطعنامه 1846 بیان شده، «عدم توانایی، عدم وجود قوانین ملی و عدم شفافیت در خصوص چگونگی آزاد شدن دزدان دریایی پس از دستگیری آنها، مانع از اقدام بین‌المللی قاطعانه‌تر علیه دزدان دریایی در خارج از سواحل سومالی شده و در برخی موارد سبب شده تا دزدان دریایی بدون اجرای عدالت، آزاد شوند».

بخصوص مشکلات مربوط به تحویل دزدان دریایی دستگیر شده به یک کشور ساحلی و اطمینان از این که این دولت صلاحیت خود را اعمال و حقوق بشر را رعایت می‌کند منجر به انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین انگلستان، ایالات متحده و کنیا شد که در رسانه‌های گروهی عنوان گردید ولی به صورت علنی بیان نشد. مطابق با اعلامیه وزیر امور خارج کنیا، این موافقت‌نامه‌ها «یادداشت تفاهم» هستند و با این حال راهی باز برای پیاده کردن دزدان دریایی در خاک کنیا نخواهند بود. این یادداشت‌های تفاهم بر پایه و اساس «مورد به مورد»^{۲۶} عمل خواهند کرد. به نظر می‌رسد این یادداشت‌های تفاهم بخشی از رویه‌ای است که به وسیله قطعنامه 1846 بیان و تشویق شده و به وجود موافقت‌نامه بین دولت‌هایی که کشتی‌های آنها در آب‌های خارج از سومالی مشغول گشت زنی هستند با «کشورهایی که مایل به بازداشت دزدان دریایی هستند» بستگی دارد تا «به‌منظور تسهیل تحقیق و تعقیب افراد بازداشت شده از کشورهای اخیر [کشورهای مایل به بازداشت دزدان دریایی] به‌ویژه کشورهای منطقه»، مأموران اجرای قانون را (که «ضابطان دریایی»^{۲۷} خوانده می‌شوند) [انتخاب] و بر روی این کشتی‌ها مستقر کنند. این توافق‌ها و ترتیبات، رضایت قبلی دولت موقت فدرال را «برای اعمال صلاحیت دولت ثالث توسط ضابطان دریایی در آب‌های سرزمینی سومالی» لازم می‌دانند و مقرر کرده‌اند که آنها «به اجرای مؤثر کنوانسیون SUA لطمه‌ای نمی‌زنند». اگرچه رویه این ضابطان دریایی طبق این موافقت‌نامه‌ها، صلاحیت کنیا (یا دیگر کشورهایی که مأموران آنها بر روی کشتی‌های توقیف

26. case by case

27. shipriders

شده سوارند) را بر مبنای این فرض که این دولت، دولت توقیف کننده است مجاز می‌شمرد، ولی در سایر موارد، عامل رابطه همان تابعیت کشتی قربانی یا تابعیت قربانیان است. آن‌طور که گزارش شده، هلند موافقتنامه‌ای به منظور استرداد پنج دزد دریایی سومالیایی را که در خلیج عدن به کشتی باری «ندرلند - آنتیلز»^{۲۸} حمله کرده و توسط دانمارک دستگیر شده بودند با دانمارک امضا کرده است.

اقدام مشترک اتحادیه اروپا CSFP / 2008/851 در خصوص عملیات نظامی این اتحادیه علیه دزدی دریایی و سرقت مسلحانه خارج از سواحل سومالی، وضعیت کنونی را پیش بینی و مقرر می‌کند که اگر مقامات صلاحیتدار کشور صاحب پرچم کشتی «که آن‌ها را زندانی کرده» نتوانند یا نخواهند صلاحیت خود را اعمال کنند، باید به منظور تعقیب قضایی افرادی که در جریان عملیات بازداشت شده‌اند، به یک «کشور عضو یا هر کشور ثالثی که بخواهد صلاحیت خود را بر افراد فوق‌الذکر اعمال کند» منتقل شوند. این مقرر است استفاده از ضابطان دریایی را منتفی نمی‌کند، ولی انتقال احتمالی به دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا دیگر دولت‌های ثالث مایل [به اعمال صلاحیت] را اضافه می‌کند. با توجه به نگرانی‌های بالا، ذکر شمه‌ای از این قانون مناسب به نظر می‌رسد:

«هیچ شخصی ... نمی‌تواند به دولت ثالث منتقل شود، مگر این که در خصوص شرایط انتقال به گونه‌ای که با حقوق بین‌الملل مربوط بخصوص حقوق بین‌الملل بشر سازگار باشد، با دولت ثالث توافق به عمل آید تا بدین ترتیب، به ویژه تضمین شود که هیچ کس در معرض مجازات اعدام، شکنجه یا هرگونه رفتار خشن، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار نمی‌گیرد».

مقررات مفصل مربوط به حمایت از حقوق بشر در زندان دریایی و سارقان مسلح شده توسط نیروی دریایی اتحادیه اروپا و منتقل شده به کنیا در مواد 3 و 4 تبادل یادداشت‌ها که در 6 مارس 2009 در نایروبی در خصوص چنین انتقالی بین کنیا و اتحادیه اروپا منعقد گردیده، بیان شده است. باید گفت که این موافقتنامه اگرچه مشارکت «ضابطان دریایی» را منتفی نمی‌داند، ولی سخنی نیز از آن‌ها به میان نیاورده است.

7. توسل به زور در عملیات‌های دریایی علیه دزدان دریایی و سارقان مسلح

توقیف یک کشتی دزد دریایی مطابق با اختیاری که کنوانسیون حقوق دریایی به همه کشورها اعطا کرده، متضمن ام‌کان توسل به زور است. این امکان توسل به زور با بیان استفاده از «همه

ابزارهای لازم برای سرکوبی اعمال دزدی دریایی و سرقت مسلحانه « در قطعنامه‌های شورای امنیت شفاف‌تر شده است. این مطلب واضح است که در زبان شورای امنیت «همه ابزارهای لازم» به معنای «توسل به زور» است. مواردی که در بالا درخصوص اقدام مشترک شورای اتحادیه اروپا بیان شد چنین مطلبی را در تعریف فرمان^{۲۹} «عملیات آتلانتا» روشن می‌سازد؛ هنگامی که بیان می‌کند آتلانتا باید «همه تمهیدات لازم از جمله توسل به زور» را در نظر بگیرد. این توسل به زور علیه دشمن، آن‌گونه که در حقوق مخاصمات مسلحانه بیان شده نیست؛ چرا که در این جا مخاصمه مسلحانه داخلی یا بین‌المللی وجود ندارد. دزدان دریایی با دولت‌هایی که ناوگان آن‌ها از کشتی‌های تجاری در آب‌های خارج از سواحل سومالی حمایت می‌کنند، در جنگ نیستند. این‌گونه بحث شده که دزدان دریایی رزمنده نیستند و غیرنظامیانی هستند که مطابق با حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، جز در شرایط دفاع مشروع فوری نمی‌توانند به‌طور خاص مورد هدف قرار گیرند. فارغ از عقیده‌ای که می‌توان در خصوص قابلیت اجرایی حقوق مخاصمات مسلحانه داشت، این یک واقعیت است که رویه موجود در آب‌های خارج از سومالی نشان می‌دهد که کشتی‌های جنگی‌ای که در این آب‌ها به گشت‌زنی مشغولند فقط در پاسخ به کاربرد سلاح علیه آن‌ها مبادرت به استفاده از سلاح کرده‌اند. در واقعه‌ای که در 14 نوامبر 2008 در خلیج عدن گزارش شده، کشتی نیروی دریایی بریتانیا با اطمینان تأیید می‌کند که یک کشتی باری یمنی در تلاش برای دزدیدن کشتی باری دانمارکی شرکت داشته و سعی می‌کند تا کشتی یمنی را «بدون روش‌های خشونت‌آمیز» متوقف کند. در واقعه دیگری که در 21 نوامبر 2008 گزارش شده، کشتی نیروی دریایی هند به نام «تبر»^{۳۰} که در خلیج عدن و در 285 مایلی ساحل عمان مشغول گشت‌زنی بود از کشتی‌ای که به‌عنوان کشتی دزد دریایی مادر^{۳۱} قلمداد شده و خدمه آن «با تسلیحات کامل امروزی» مشاهده شده بودند خواست تا توقف کند. هنگامی که کشتی دزد دریایی «با تهدید به منفجر کردن کشتی جنگی نیروی دریایی در صورت محاصره کردن او پاسخ داد» و بر کشتی نیروی دریایی هند آتش گشود، «تبر» نیز پاسخ گفت و کشتی دزد دریایی را غرق کرد.

بنابراین به نظر می‌رسد دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه یا تهدید به آن، هم در چارچوب بحث برانگیز حقوق مخاصمات مسلحانه و هم در چارچوب مورد بحث توسل به آن [دفاع مشروع] علیه عوامل غیردولتی^{۳۲} یا به صورت محتمل‌تر، به‌عنوان یک قاعده خودتحمیلی تعهد به اقدام

29. mandate

30. Tabar

31. pirate mother ship

32. non-state actors

پلیسی،^{۳۳} به‌عنوان اصلی راهنما برای دولت‌هایی باشد که نیروی دریایی آن‌ها درگیر مبارزه با دزدان دریایی خارج از سواحل سومالی و دولت‌های همسایه است.

در هر حال، سؤالی که باید مطرح شود این است که آیا می‌توان از زور به‌طور مستقل و فارغ از دفاع مشروع علیه دزدان دریایی و سارقان مسلح استفاده کرد یا خیر و در صورتی که جواب مثبت باشد آیا حقوق بین‌الملل حدودی را برای این استفاده از زور تعیین کرده است یا نه؟ به نظر من اقدام علیه دزدان دریایی می‌تواند به اعمال اختیار در انجام اقدام پلیسی در دریای آزاد در مورد کشتی‌های خارجی تشبیه شود که به دیگر کشورها نیز با توجه به استثنای اهای مربوط به قاعده‌ای که تأییدکننده صلاحیت انحصاری دولت صاحب پرچم است اجازه داده شده است. چنین مجوزهایی به‌ندرت و با اکراه توسط دولت صاحب پرچم داده شده، مگر در صورت درخواست؛ آن‌هم بر مبنای مورد به مورد. با وجود این، مثال‌هایی از مجوز اعطا شده به صورت کلی در برخی معاهدات مربوط به قاچاق مواد مخدر و ماهیگیری وجود دارد که در میان آن‌ها موافقتنامه ذخایر ماهیان سازمان ملل 1995^{۳۴} اصلی‌ترین سند چندجانبه است. این موافقت‌نامه به برخی کشورها بجز کشور صاحب پرچم کشتی اجازه می‌دهد تا در دریای آزاد سوار کشتی‌های ماهیگیری شده، و به بازرسی آن‌ها بپردازند. در اصل چنین اقدامی نباید متضمن توسل به زور باشد، چرا که دولت صاحب پرچم کشتی، علاوه بر موارد دیگر، ملزم به «پذیرفتن و تسهیل فوری و ایمن سوار شدن بازرسان» و مجازات فرمانده کشتی در صورت خودداری از موافقت با سوار شدن آن‌ها است. با این حال، امکان توسل به زور پس از سوار شدن بر کشتی در پاراگراف f بند 1 ماده 22 پیش‌بینی شده که می‌گوید دولت بازرسی‌کننده باید «از توسل به زور اجتناب کند، مگر در زمانی و به‌میزانی که برای تضمین ایمنی بازرسان و در جایی که بازرسان از اجرای وظایفشان منع شده‌اند لازم و ضروری باشد». حقوق بین‌الملل عام با مجاز دانستن متوقف کردن کشتی و سوار شدن بر آن به منظور اعمال حق بازدید طبق ماده 110 کنوانسیون حقوق دریا، یا توقیف کشتی دزد دریایی طبق ماده 105، فرض را بر این قرار داده که به‌منظور دستیابی به این اهداف می‌توان به زور متوسل شد. با توجه به این واقعیت که دولت‌ها اسناد مربوط را پذیرفته‌اند و به وسیله قواعد عرفی مربوط و قطعنامه‌های شورای امنیت طبق فصل هفتم ملزم شده‌اند، می‌توان این‌گونه تلقی کرد که دولت‌ها به پذیرش توسل به زوری که به منظور انجام این اقدامات پلیسی صورت گرفته رضایت داشته یا به چنین پذیرشی مجبور شده‌اند.

محدودیت‌های این نوع توسل به زور در انجام اقدام پلیسی که توسط حقوق بین‌الملل مجاز دانسته شده در رویه‌های مربوط به حل و فصل اختلافات و معاهدات نشان داده شده است. دیوان

33. a self-imposed rule of engagement for police action

34. 1995 UN Fish Stocks Agreement

بین‌المللی حقوق دریا با تکرار و توسعه نکات مذکور در رأی داوری در پرونده «من تنهایم»^{۳۵} و گزارش کمیسیون تحقیق در خصوص پرونده «جنگجوی سرخ»^{۳۶} در رأی ام/وی سایگا شماره 2^{۳۷} بیان می‌کند که «حقوق بین‌الملل ... مقرر می‌دارد تا آنجا که ممکن است باید از توسل به زور اجتناب شود و در جایی که توسل به زور اجتناب ناپذیر است، نباید از آنچه در آن شرایط معقول و ضروری است فراتر رفت. ملاحظات بشری باید در حقوق دری ا اعمال شود». همچنین این رأی رویه مربوط به سیگنال‌های سمعی و بصری برای توقف، شلیک گلوله به سینه کشتی و انواع معیارهای دیگر را که به‌طور طبیعی قبل از توسل به زور انجام شده اند می‌پذیرد. موافقتنامه ملل متحد در خصوص ذخایر ماهیان به طریقی یکسان در پاراگراف 5 بن 1 ماده 22 بیان می‌کند که «میزان توسل به زور نباید از آن مقداری که به‌طور معقول در آن شرایط لازم است فراتر رود».

پرونده سایگا شماره 2 در رأی داوری 2007 در خصوص اختلاف مرز دریایی بین گویان و سورینام بیان شده است. سؤال مورد نظر این بود که آیا دستور کشتی نیروی دریایی سورینام به سکوی حفاری گویان که در یک منطقه مورد اختلاف فلات قاره واقع شده بود، مبنی بر ترک منطقه و با بیان این که «اگر چنین کاری نکنند، عواقبش به عهده خودشان خواهد بود» سبب ایجاد یک تهدید نامشروع به توسل به زور طبق بند 4 ماده 2 منشور و طبق حقوق عرفی شده است یا خیر؟ دیوان داوری علاوه بر دیگر موارد، نکات مطرح شده در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری را در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی علیه نی‌کاراگوئه مبنی بر تمایز بین جدی‌ترین اشکال توسل به زور که تشکیل دهنده حمله مسلحانه است از «دیگر اشکالی که کم‌تر جدی هستند» مدنظر قرار داده است. دیوان داوری اگرچه به صورت مستقیم نتیجه را از این تمایز استخراج نمی‌کند، با این حال «این سخن را می‌پذیرد که در حقوق بین‌الملل، زور می‌تواند در [انجام] اقدامات مربوط به اجرای قانون استفاده شود و مقرر می‌کند که این امر، اجتناب‌ناپذیر، معقول و ضروری است»؛ ولی نتیجه می‌گیرد «در شرایط پرونده حاضر، ... دعوایی که در 3 ژوئن 2003 توسط سورینام اقامه شده بیش‌تر شبیه به تهدید به اقدام نظامی به نظر می‌رسد تا یک فعالیت صرف مربوط به اجرای قانون» و این که چنین اقدامی [مقررات] منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عام را نقض کرده است. دیوان مشخص نکرده که آیا این نتیجه‌گیری مبتنی بر خصوصیات تهدید به توسل به زور (امکان استفاده از ابزارهای نظامی) است یا بر این واقعیت که توسل به زور به دلیل این که در منطقه‌ای صورت پذیرفته که رأی آن را متعلق به گویان دانسته و

35. I'm alone

36. Red Crusader

37. M/V Saiga No.2

در نهایت سورینام در آن منطقه از حقوق اجرایی برخوردار نبوده غیرقانونی بوده است و نیز به دلیل این که اگر این منطقه متعلق به سورینام می بود، این اقدام به عنوان یک اقدام مربوط به اجرای حقوق تلقی می شد. به نظر می رسد مورد اخیر معقول ترین توضیح است ولی باید اذعان کرد که رأی در خصوص این نکته کلیدی واضح و شفاف نیست.

در خصوص توسل به زور علیه دزدان دریایی به نظر می رسد رأی گویان و سورینام، این روی نوظهور را تصدیق می کند که اقداماتی که توسط حقوق بین الملل برای اجرای حقوق^{۳۸} مجاز دانسته شده می تواند شامل توسل به زور هم بشود؛ مشروط بر این که این توسل، اجتنابناپذیر، معقول و ضروری باشد. روی مذکور در بالا، با گنجاندن عنصر احترام به حقوق بشر اشخاص مربوط که به طور ضمنی در بیان «ملاحظات بشری» در رأی ام / وی سایگا شماره 2 دیوان بین المللی حقوق دریا آمده، چنین شرایطی را روشن و شفاف کرده است.

